

گزارشی از بیمارستان شریعتی تهران

دو سال و نیم قبل در بهمن ۵۷ در انرقیام شکوهمند مردم زحمتکش ما، رژیم جمهوری اسلامی سوار بر سوخ توهم شونده ها بقدرت رسید و ایسن در حالی بود که سردمداران آن تمام هم و غم خود را به کار برده بودند و با انواع و اقسام جلاذاتی چون زئرال هویزر و تیمسار فرها غسی و سایر بقایای رژیم شاهنشاهی سازش کرده بودند تا بلکه از درهم شکسته شدن ارکانهای آریا مهری جنوگیری کنند. ولی محاسبات و رویاهای شیرین ایشان با شور و کینه ای انقلابی مردم درهم ریخت. با وجود این، بعلت عدم اطلاع مردم از سازشهای پشت پرده ای گردانندگان جمهوری اسلامی با امپریالیسم، و بعلت توهم ایشان نسبت به رهبران جمهوری اسلامی، رژیمی بقدرت رسید که در ظرف این مدت شاید به جرات بتوان گفت که بنه تشبیه قدمی در راه بهتر شدن وضعیت زندگانی زحمتکشان برنماداشته است، و این در حالیست که اندامهای حمایت از "مستضعفان" را وجه المصلحه قرار داده تا جیبهای خود را هر چه بیشتر پر کنند. این رژیم و گردانندگان آن از طسروق مختلفی چون ایجاد "بنیاد مستضعفان" (رجوع کنید به اسناد غارت و چپاول ثروت زحمتکشان در شماره های گذشته ی رها بی)، "سازمان اقتصاد اسلامی" و غیره نه تنها ثروت عظیم مردم ما را به جیب عدوی معدودی ریخته، نه تنها به قتل و کشتار کارگران بیگار و شاغل و خلقهای ستمدیده ی مناد برداشته است، نه تنها با وارد شدن در جنگی اورتها می علیه زحمتکشان عراق و ایران، میلیونها تن از مردم ما را آواره و بی خانمان کرده است... (لیست جنایات رژیم جمهوری اسلامی بسیار طولانی تر از اینهاست) بلکه تمام دستاورد های ما را که مردم ما در اثر سالها مقاومت و مبارزه علیه رژیم فاشیستی شاه بدست آورده بودند و موفق به کشیدن بخش ناچیزی از ثروت و دسترنج خود از حلقوم حنایتکاران رژیم شاهنشاهی شده بودند، زیر پا گذارده است.

به یقین میتوان گفت که رژیم جمهوری اسلامی به عمد به بدتر کردن وضع زندگی زحمتکشان ما پرداخته است. ما به جوانب مختلف ایسن امر در گذشته پرداخته ایم و در آینده نیز چنین خواهیم کرد. لیکن اینبار با درج گزارش گونه ای از یک بیمارستان دولتی گوشه ی بسیار کوچکی از آنچه را که این رژیم بر روز زحمتکشان ما میآورد افشا میکنیم. طبیعی است که سرما بیه داران و حامیان جدید آنها قادرند از امکانات بیمارستانهای خصوصی استفاده کنند و در صورت لزوم با پارتی بازی و غیره به کشورهای خارج سفر کنند و ضمن گردش و استراحت به مجالس خوبش بپردازند. بنا بر این واضح است که اوضاع رفتم بگیر بیمارستانهای دولتی بطور بلاواسطه و مستقیم مشمول حال زحمتکشان جا سدی میباشد.

ما با چاپ گزارشی از بیمارستان دکتر شریعتی بشرح ارفاعی بیماردا زیم که ضررهای گویایی است از سیاست رژیم بر ما به داری جمهوری اسلامی درباره ی شربان و مداوای زحمتکشان. بیاد در حقیقت صفحه ی دیگری است از کتاب قطب سر جنایات رژیم جمهوری اسلامی.



چندی قبل در اوایل تیرماه، صدیستری بیمارستانی بیمارستان شکت شریعتی. جلبتای شکتلی داد که شرکت تمام پرستاران را در آن بیمارستانی بود. موضوع مورد بحث جلدت و هفتمین بیمارستانی و راههای جنوگیری از آن بهره رولسی. حقایقی که به بناچار صدیستری بیمارستانی این جلسه برآی گا در بیمارستانی بیمارستان پرستاران داشت، عمیقاً افشاگرانه ر تکسبمان دهنده بود. این حقایق بطور خلاصه عبارتند از:

- ۱- در وقت بخشهای بیمارستان آلوده به میکروبیهای بسیار خطرناک است.
- ۲- در طی یک هفته، ۷ بیمار در اثر عفونت برونهای منی فوت کرده اند. این بیمارستان همگی با دچار خرنی منی و با تصور بیساختی بوده اند و دوران بیماری را طی کرده بودند. عبارت دیگر بطور معمول آنها در غرضگاه روز میبایست از بیمارستان خرنی گرفته میشدند.
- ۳- یکی از صدیستری جنکی که به شکستن مهردهای خرنی از خرنی تا سر در شکست قرار داشت، پس از بازگردن کرد، بعلت کسرم گذاشتن زخم روی در گذشت.
- ۴- در خرن چند بیمار میکروبیستری بیمارستان (E.Coli) یافت شده، که بطور مستقیم در مدفوع انسان وجود دارد.
- ۵- شواهدی از جنوگیری بخش به طبیعت است زیرا راه پیدا کرده است. مثلاً در بخش زخمهای سوراخ شواست درست در وسط اطاق مطاینه باز شده است. در مطایله ی خود اوقات تعمیر، لشکران برنجه بعنوان علت عدم رعایتی فکر شده است.
- ۶- گلبندی ملائدهای بخش آلوده و عفونی است (لازم به تذکر است که رئیس بیمارستان قرارداد های طبیی تستشوی ملائدها را بصلحت ضرورت به صرفه بپردن، فسخ کرده و با ترکش قرار داده بسته است. که ملائدها را به نفع طبیعت تستشوی بسته ولی ضد عفونی نمیکنند.)
- ۷- بخش بیبی ۲ بیمارستان مهردهای است که بدون آب منی سپردن. طبیعتاً این امر فرای لوله ها و بیلا ملائدها آب به طبیعت بگذرد بیمارستان است. در نتیجه ی این امر، حتی بیسوا ی شواست بیماراران نیز آب به سیمای سطل از طبیعت پاشین حمل میشوند.
- ۸- در اطاق مطایله ی سوراخ سوراخ

شستن دست فقط مجاز به استفاده از نصف یک گرم نمک است. در حالیکه بطور معمول برای یک عمل جراحی، حداقل بایستی بکربن الی ۲۰ دقیقه یعنی تقریباً ۱۵ الی ۲۰ بار دستها را از زیر آرنج تا نوک انگشتان شست و برس زد.

از همه مسخره تر اینست که رئیس بیمارستان که یک فیزیوتراپ ساده است، عدم دقت پرستاران در رعایت اصول بهداشتی را علت تمام عفونتهای فوق قلمداد کرده است. در حالیکه بر اساس اصول بهداشتی، چنین محیط آلوده‌ای بایستی به مدت طولانی بسته شود و تمام قسمتهای آن چندبار رنگ آمیزی و ضد عفونی گردد.

علاوه بر این آلودگی و عفونت و خستنی‌ساک محیط خطرات دیگری نیز روزانه جان تعداد زیادی از هم میهمان زحمتکش ما را در بیمارستان تهدید میکند.

بسیاری از داروهای که در ایران ساخته میشوند استاندارد نیستند. بعضوان مشهور داروهای بیهوشی بعلت استاندارد نبودن ضدت بیهوشی را گاهی عمیق تر و گاهی سبک تر میکنند. این باعث تلف شدن چندین بیمار و اختلالات عروقی و سردردهای طولانی در مورد بیمارانی دیگر شده است. در چندین مورد آنتی بیوتیکهای بعد از عمل بدون دلیل ایجاد تب نموده اند. در اکثر سرماها نیز، که به اصطلاح استرلیزه هستند، ذرات مطلق دیده میشود، و حتی در دو مورد پیشه‌ای مرده نیز در داخل آنها مشاهده شده است.

یکبار وقتی بیمار جوانی در اطاق عمل نیاز به اکسیژن پیدا میکند، بعلت تمام شدن ذخیره‌ی اکسیژن اطاق عمل و خرابی سیستم مرکزی، یک سیلندر از انباز اکسیژن تحویل اطاق عمل میگردد که روی آن کلمه‌ی "اکسیژن" نوشته شده بود. ولی ۱۰ دقیقه بعد از وصول اکسیژن به بیمار، وی بعلت قطع تنفس فوت بینماید. پس از تحقیق معلوم میگردد که سیلندر حاوی گاز کربنیک بوده و سبب خفگی بیمار شده است.

در چندین مورد که با توصیه‌ی پزشکان در شورای پزشکی، اجازه‌ی ادامهی معالجات در خارج از ایران به چند بیمار هموفیل (بیمار خونی) داده شده است، از خروج آنها و دادن ارز به آنها مخالفت و جلوگیری بعمل آمده است. این در حالیست که بیماران هموفیل در سراسر ایران فقط تحت جهت درمان در اختیار دارند و در بخش خون بیمارستان هزار تختخوابی، برای هر بیمار تزریق پلاکت این بیماران باید ۱/۵ روز در انتظار باقی بمانند. در حالیکه اگر پلاکت درسامتهای اول پس از خونریزی بیمار و مراجعه‌ی وی به مراکز درمانی تزریق نگردد، وی به آسانی تلف خواهد شد.



بر تمام شرایط فوق باید فساد عوامل رژیم و اختناق حاکم بر بیمارستان را نیز افزود:

مثلا در حالیکه محیط بیمارستان همچنانکه در فوق شرح شد بشدت آلوده و عفونی است و وسایل کافی جهت ضد عفونی توزیع نمیشود و روزانه نیمی از یک مایون به هر بخش داده میشود، یکی از اعضای انجمن اسلامی (یعنی انجمن جابوسان رژیم) بنام آقای حسینی که انباردار است در همین دزدی و خارج کردن ۲۰۰ عدد مایون از بیمارستان توسط نیروهای مترقی شناسایی و معرفی شد. وجود این وی هنوز در پست خود باقیست و جشنی در ظاهر هم مورد ترویج قرار نگرفت.

چندی قبل، شورای پرستاری بیمارستان اعلامیه‌ای به حمایت از پرستارانی که به "جرم" بهایی بودن (یعنی فقط به خاطر اعتقادات مذهبی اشان) اخراج شده بودند، منتشر میکند و وصیعا در بین مراجعین و پرستاران بخش میگردد. همان روز دستور جسجوی کیف و وسایل پرسنل صادر میشود و بدنیاال آن افرادی که قبلا شناسایی شده بودند تحت نظر قرار میگیرند و عوامل رژیم بشدت جهت شناسایی اعضای شورا تلاش میکنند.

بدنیاال تشدید جو اختناق فاشیستی در سطح جامعه، تعدادی از پرستاران بیمارستان نیز دستگیر شده‌اند و برخی از آنها از جمله خانم ناظم رضوی (نرس) و خانم خسروی (بیمار) اعدام شده‌اند. تعداد دیگری نیز با تبعید شده و یا محظی کشته‌اند. همچنین بمنظور تکمیل کسب کردن تفتیش عقاید و شناسایی افراد مترقی و از طرفی دیگر، تلاش در جهت شستشوی مغزی، پرستاران بیمارستان از اوایل مرداد موظف به شرکت در کلاسهای "ایدئولوژی" شده‌اند. در اطلاعیه‌ای به همیمن منظور، از پرستاران خواسته شده که برنامه‌ها را طوری تنظیم کنند که تعداد معینی در هر هفته در این کلاسها شرکت کنند. کلاسها ظاهرا دوره‌ای است و در پایان هر دوره امتحان گرفته خواهد شد تا از شستشوی مغزی پرستاران اطمینان حاصل شود.



تجربه‌ی دو سال و نیم گذشته، چهره‌ی سرما دارانه‌ی رژیم جمهوری اسلامی را بخوبی بنمایش گذاشته و یکبار دیگر ثابت کرده است که رژیمهای سرمایه‌داری نه میخواهند و نه بنا به ماهیت خود قادرند که منافع توده‌های کارگر و زحمتکش را تامین کنند. تاریخ مبارزات زحمتکش جهان نشان میدهد که رژیمهای سرمایه‌داری نه به میل بلکه به اجبار در مقابل مبارزه‌ی طبقاتی عقب نشینی کرده و بخش ناچیزی از حقوق فشارت رفته‌ی زحمتکش را در اختیار ایشان قرار میدهند تا بلکه چند صباحی دیگر از نابودی خود جلوگیری بعمل آورند.

رژیم جمهوری اسلامی نیز هر چند در مقابل خواسته‌های زحمتکش در لفظ شعارهایی در ایضا و آنجا بر علیه سرمایه‌داری سر داده و دم از حمايت

بقیه در صفحه ۹

پتان "مستضعفان" و ایجاد "طب ملی" بنفع آنان زده است، ولی در عمل منظور خود را از حذف منافع زحمتکشان و در این مورد "طب ملی" به وضوح آشکار ساخته است. نمونه‌ی بیمارستان دکته‌سیر شویستی در فوق مثال گویایی از این هوا مفریبی‌های رژیم است.

بنابراین رژیم جمهوری اسلامی نه قصد آن دارد و نه بخواهد با هیت سرمایه‌داری خود قضاوت است که طب را بنفع زحمتکشان اداره کند. این امر تنها زمانی ممکن است که کارگران و زحمتکشان خود اداره‌ی امور جامعه را در دست بگیرند و نظامی را که در جهت منافعشان باشد، یعنی نظام سوسیالیستی را مستقر سازند.

